

هنگامه‌ها در دفعه تقیصه‌ها

بیست و هشتمین هنگامه

پیام شهیار ایران بمناسبت نوروز ۱۳۶۴

امیرفیض- حقوقدان

در پیام نوروزی اعلیحضرت در سال ۶۴، (۲۵۲۴ = ۱۹۸۵) به همه ایرانیان شاد باش گفته شده است و پس از تشریح اوضاع نابسامان مردم و بی رحمی رژیم غاصب، نگرانی خودشان را از جنگ عراق بایبانات زیربازگونی میکنند.

«آخر چگونه میتوان در کنار نشست در حالیکه دشمن بی رحمانه هر گوشه کشور را که قصد میکند به خون و آتش میکشد؟ چگونه میتوان آرام نشست در حالیکه دشمن داخلی بنیه دفاع کشور را چنان تحلیل برده است که دشمن هر روز جسورتر میشود و چگونه میتوان آسوده نشست در حالیکه حکومت غاصب به خاطر اغراض شخصی و ضد ملی و استمرار سلطه ظالمانه خود ادامه جنگ را بهانه قرارداد است و از برقراری صلح شرافتمندانه با حفظ منافع ملی سرباز میزند» (۱)

پیام نوروزی اعلیحضرت بایبانات زیر پایان یافته است:

«هم میهنان عزیزم، من پیامهای شمارا دریافت میکنم.

کانون های مقاومت، در ایران تشکیل شده و روز بروز در حال گسترش است. بسیاری از هموطنان در جلای وطن نیز به تشکیل و حرکت جدی تری دست زده اند. به یکدیگر کمک کنید و سازمان دهی خود را متشکل تر کنید، یقین دارم که با همت و کوشش همگی پیروز خواهیم شد امروز بزرگترین وظیفه ملی هرایرانی، میهن دوستی و فداکاری و برکناری از طرح اختلاف سلیقه هاست. ایران متعلق به همه ایرانیان است و جای طرح سلیقه های مختلف در ایران آزاد شده فرداست.

من امروز در کنار شما مبارزه میکنم و فردا در میان شما به ایفای وظائف خود بعنوان یک پادشاه مشروطه خواهم پرداخت و صمیمانه معتقدم که حفظ موازین قانون اساسی و اصل حاکمیت ملی باید میزان حکومت

خداوند نگهدارایران باد»

باشد. (۲)

در قلمرو پیام نوروزی

۱- چگونه میتوان آرام گرفت:

شهیار ایران تالعات و ناراحتی های خودشان را از ادامه حکومت جبار و غاصب جمهوری اسلامی بایکارگرفتن عبارت «چگونه میتوان آرام گرفت» نشان داده اند.

هر چیز که با مقاومتی متناسب برخورد نکند آنقدر عمر خواهد کرد که بصورت طبیعی عمرش پایان یابد.

یک درخت هر قدر کرم و مزاحم باشد تا با اقدام انسانی برای براندازی و یاحرکت بادهای متناسب طبیعی روبرو نشود افتادنی نیست و وقتی هم بی قاعده بیفتد خرابی هائی بوجود میآورد که در نیفتادن آن نیست.

ما نمیتوانیم در مقابل وطنمان کتمان حقیقت کنیم که در ۴ سال گذشته اقدامی که باحیات غاصبانه جمهوری اسلامی متناسب باشد انجام نداده ایم.

حاشیه - چه گویم که ۴ سال به بیش از ۳۰ سال رسیده است (پایان حاشیه)

مجموع اقدامات ما، در معرفی جمهوری اسلامی خلاصه شدنی است درحالی‌که اگر مادستی از دوربرآتش داریم ایرانیها در آن آتش میسوزند، ما نجات هموطنان و ایرانیان را در ذکر مصیبت دانسته ایم و انتظار داریم که ذکر مصیبت، مصیبت را پایان دهد.

ما برای پایان دادن به مصیبت ایران به نیروی اعتقاد و حقانیت مجهز نیستیم. مبارزه فرع بر عمل است، عمل، پیش درآمد اراده است و اراده تابع عقیده و عقیده از اسباب مسلم و فاداری و فداکاری است که سبب از خودگذشتگی و صرف جان و مال در مبارزه می‌گردد.

به مبارزه و صحنه تجسمی آن نگاه کنیم آیا میتوانیم از ملات مبارزه چیز قابلی نشان بدهیم.

تاسف و ناراحتی شهریار ایران از جنگ عراق در قلمرو سنخیت، زیر سوال می‌رود و این سوال را بوجود می‌آورد که چگونه میتوان تهاجم نظامی عراق به ایران را سبب دل‌آزردگی شهریار ایران دانست ولی کسی که محرک و مشوق حمله عراق به ایران است و فعالیت مشهود و علنی دارد که فرانسه عراق را به هواپیماهای پیشرفته برای بمباران خارک مجهز کند و حتی تاپای استیضاح کلامی هم از رئیس جمهوری فرانسه پیش رفت (بختیار) مورد حمایت شهریار ایران قرار گیرد و شهریار به آن شخص عنوان وطن پرست بدهند.

دربینات شهریار ایران آمده است: «آخر چگونه میتوان آرام نشست، درحالی‌که دشمن داخلی بنیه دفاع کشور را چنان تحلیل برده است که دشمن خارجی هر روز جسورتر میشود»

چه کسی عراق را هر روز جسورتر در تعرض نظامی به ایران می‌کرد؟ جز بختیار و کسانی که خواهان حمایت جهانیان از حمله عراق به ایران و تجهیز عراق بوسیله هواپیماهای جنگی پیشرفته هستند؟

و عجیب آنجاست که وقتی بختیار خیانت کار معرفی شد شهریار ایران رانخوش آمد و فرمودند «بختیار تاکنون محاکمه نشده است»

آیا خمینی محاکمه شده است؟ هرکس طرف اتهامات میهنی قرار می‌گیرد، موقعیت و روابطش فرق میکند با کسانی که در معرض اتهام قرار ندارد و حداقل فاز احتیاط پیش می‌آید.

قلمرو سنخیت اجازه نمیدهد شهریار ایران که می‌فرمایند اگر دستم قطع شود از بیگانه برای نجات ایران کمک نخواهم گرفت، با کسانی که علناً اعتراف به دریافت‌های بزرگ از عراق دارند در آن حد حمایت کنند که حقایق نادیده و قبح تبدیل به حسن گردد. (مشروح این گفتگوی مفصل در سن‌گرا ۱۵ فروردین ۱۳۶۴)

۲- من امروز در کنار شما خواهم بود و فردا...

بیان اعلیحضرت، دلنشین و همدلی با ایرانیان است و این چنین عباراتی در فرهنگ ما ایرانیان جای آشنا و معمول و متداولی دارد مانند «خواهش دارم مراد غم خودتان شریک بدانید» اینها و امثال آنها تعارفات است که گفته اند «از تعارف کم کن و بر مبلغ افزا» یعنی حرف و تعارف کافی است وارد عمل بشو.

یکی از برجستگان انگلیسی می‌گوید «دوست صادق شما کسیست که هنگامیکه شما در معرض تعرض قرار گرفته اید از شما دفاع کند نه ابراز غمخواری کند»

ما در تمام ۴ سال مبارزه فقط با مردم گرفتار ایران غمخواری کرده ایم بدون آنکه به کوچکترین وظیفه ای که قانون اساسی مشروطیت برای ایفای تعهدات شهریار ایران مقرر کرده و شهریار هم راه نجات ایران را در گرو رعایت آن دانسته اند عمل شده باشد وحد اکثر، وعده فردا را میدهم در این ۴ سال گذشته هیچ عملی که در قاموس مبارزه بتوان به آن عنوان مبارزه اساسی و جدی برای ساقط ساختن رژیم غاصب داد در کار مبارزه مادیده نمیشود و وعده فردا هم مصداق این بیت مولوی است:

چون شفق غماز خورشید آمده است جزء ها بر حال کل ها شاهد است